

سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت از شاهد*

- ابوالحسن شاکری^۱
- رضا رضایی^۲

چکیده

حضور شاهد در سیستم عدالت کیفری، یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که در جوامع مردم‌سالار نمود بیشتری دارد. از این جهت باید شهود به عنوان یکی از کنشگران چرخه عدالت کیفری تحت تدابیر حمایتی قرار گیرند. تدابیر حمایتی تدابیری استثنایی هستند لذا تشخیص احراز شرایط اعمال آن مبتنی بر هر یک از دو ضابطه نوعی یا شخصی با مقام قضایی است. در اعمال تدابیر حمایتی، همواره حقوق متهم اولویت دارد؛ چون وی در معرض محکومیت است. این تدابیر باید از یک طرف مبتنی بر آزادی‌های فردی و از طرف دیگر مبتنی بر مصالح حکومت باشد که سیاست جنایی ایران در حوزه تقنین متأثر از آن است. راهبرد اساسی از حیث افتراقی‌سازی سیاست جنایی در بُعد تقنین تنظیم قواعد و سازماندهی اقداماتی است که ضمن تشویق شهود به

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷.

۱. دانشیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (Shakeri_criminallaw@yahoo.com).
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (rezaee.reza23@gmail.com).

حضور در سیستم عدالت کیفری از تحمیل آسیب به آن‌ها پیشگیری کند. لذا باید سیاست کیفری افتراقی و دادرسی ویژه‌ای اعمال شود؛ برای نمونه، ارباب شاهد به عنوان مجموعه اعمال ارتكابی علیه شاهد، نیازمند جرم‌انگاری است. با جلب متهم بدون احضار، ارسال مستقیم پرونده به دادگاه و رسیدگی خارج از نوبت اهمیت دارد. در همین راستا، برای جلوگیری از افشای هویت شاهد، تغییر چهره وی در جریان رسیدگی و استفاده از نقاب می‌تواند مفید باشد.

واژگان کلیدی: شاهد، تدابیر حمایتی، سیستم عدالت کیفری، افتراقی‌سازی سیاست جنایی، دادرسی کیفری ویژه.

مقدمه

قوام جامعه انسانی به استقرار نظم است که نماد بدون چالش آن همان امر و نهی قانون‌گذار می‌باشد، به طوری که بی‌توجهی به آن چنانچه در قانون ضمانت اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی شده باشد، جرم است. سیاست کشورها برای مقابله و کنترل جرم با لحاظ شرایط و عوامل متفاوت است که با عنوان «سیاست جنایی» مطرح می‌شود. بدین ترتیب بین سیاست جنایی با جرم و همه عواملی که مؤثر در کشف و کنترل جرم هستند، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بعد از وقوع جرم و کشف آن، نوبت به انتساب آن به شخص خاص می‌رسد که این مهم از طریق ادله‌ای که منجر به احراز آن می‌گردند، صورت می‌پذیرد. یکی از این ادله، شهادت شهود است. شهادت در لغت به معنای «گواهی دادن یا بیان کردن آنچه با چشم دیده شده، در نزد حاکم و قاضی» می‌باشد (عمید، ۱۳۶۹: ۱۲۳۲/۲). بر اساس ماده ۱۷۴ ق.م.ا.، مقصود از شهادت اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است. شهود با بیان دیده‌ها و شنیده‌های خود در کشف جرم و اجرای عدالت کیفری مشارکت می‌کنند. مشارکت شهود در فرایند دادرسی کیفری عنداللزوم مستلزم حمایت است. حمایت از شهود، مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان‌شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود به کار می‌بندد (رتوفیان و حسن‌زاده محمدی، ۱۳۸۹: ش ۹۳/۷۱). شهروندانی که با عنوان شاهد در فرایند دادرسی کیفری مشارکت می‌کنند، چون «افرادی هستند که اطلاعات مهمی در فرایند رسیدگی کیفری دارند» (United Nations Office on Drugs and Crime, 2008: 18).

باید از حمایت‌هایی برخوردار باشند که «تدابیر حمایتی» نامیده می‌شود. این امر، مستلزم افتراقی‌سازی سیاست جنایی است. فرایند افتراقی‌سازی سیاست جنایی، ضمن دگرگون کردن اصول و راهبردهای آن، به متکثر کردن گفتمان سیاست کیفری قانون‌گذار در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و شکلی می‌انجامد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۵). به همین دلیل، ضرورت توجه ویژه به منافع و مصالح شهود و نیاز سیستم عدالت کیفری به آن‌ها، کشورها را به افتراقی کردن سیاست جنایی وا می‌دارد.

در کشورهای پیشتاز مانند آمریکا، برنامه حمایت از شهود بخش ویژه‌ای از سیاست جنایی را به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که حمایت از شاهد به صورت مدون برای نخستین بار در ماده ۶۰۰۱ قانون «کنترل جرایم سازمان‌یافته ایالات متحده آمریکا» مصوب ۱۹۷۰ پیش‌بینی شده است (Mack, 1992: 1). در این باره قانون‌گذار ایران برای اولین بار در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تدابیری را با عبارات زیر اندیشید: هر گاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: الف. عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛ ب. عدم افشای اطلاعات مربوط به هويت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع؛ پ. استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور. تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود شواهد یا قرائن مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، باز پرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. ۱- تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد. ۳- ترتیبات مقرر

۱. در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری، «آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. شایان ذکر است که در این نوشتار، منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه موصوف می‌باشد.

در این ماده و تبصره ۱ آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود.

با اتخاذ این تدابیر حمایتی می‌توان تا اندازه‌ای در جهت پیشگیری از جرم گام برداشت که نمودی از سیاست جنایی مشارکتی است؛ چون انگیزه شهود را که از آن‌ها به عنوان «چشم و گوش عدالت کیفری» یاد می‌شود (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۱۳/۲)، برای ادای شهادت افزایش می‌دهد و نیز زمینه انجام تکلیف اخلاقی و اجتماعی شهود را به ادای شهادت فراهم می‌آورد.^۱ با این همه، در این خصوص ابهامات و سؤالاتی مطرح می‌شود: آیا شاهد قبل از حضور در فرایند کیفری از تدابیر حمایتی بهره‌مند می‌گردد؟ مقام قضایی بر اساس کدام یک از معیارهای عینی، ذهنی یا مختلط تصمیم به اعمال تدابیر حمایتی می‌گیرد؟ اگر تدابیر حمایتی در راستای افتراقی‌سازی سیاست جنایی با حقوق متهم در تعارض باشد، چگونه می‌توان این تدابیر را اجرا کرد؟ نوشته حاضر با ملاحظه آموزه‌های فقهی و حقوقی ایران و با توجه به حقوق کشورهای پیشتاز به لحاظ سابقه تقنینی آن‌ها در زمینه حمایت از شاهد و به صورت موردی رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی، به بررسی و تحلیل مباحث حقوقی مرتبط با موضوع این تحقیق ابتدا به «ماهیت تدابیر حمایت از شاهد» از جهت شناسایی یکایک این تدابیر حمایتی و سپس به «شرایط اعمال تدابیر حمایت از شاهد» از جهت موضوعات متأثر از این تدابیر و در نهایت، «توازن تدابیر حمایت از شاهد با حقوق دفاعی متهم» به جهت تعارضی که به وجود می‌آورد، می‌پردازد.

۱. ماهیت تدابیر حمایت از شاهد

طیف گسترده حمایت از شاهد، اقدامات غیر کیفری است که در واقع نوعی پیشگیری وضعیت مدار است؛ چون در نهایت بزهکاران بالقوه را از ارتکاب جرم علیه شاهد باز می‌دارند. این جنبه از تدابیر، شامل معاضدت حقوقی، عدم مواجهه حضوری، عدم

۱. در این زمینه، هدف قانون‌گذار آمریکا از تصویب «قانون کنترل جرایم سازمان‌یافته» مصوب ۱۹۷۰ قابل توجه است: ۱. ایجاد انگیزه برای افراد درگیر در جرایم سازمان‌یافته تا اینکه تبدیل به شاهد برای اعمال ارتكابی گردند. ۲. احساس تعهد اخلاقی در این افراد نسبت به دیگر شهروندان (see: Organized Crime Control Act Seco n 502).

افشای اطلاعات، استماع اظهارات شاهد از راه دور، حمایت مالی، حضور مقام قضایی در محل اقامت شاهد و حفاظت از شاهد به شرح زیر است.

۱-۱. معاضدت حقوقی از شاهد

شاهدی که بدون تفهیم حق برخورداری از معاضدت حقوقی، مورد تحقیق قرار می‌گیرد، ممکن است این گونه استنباط کند که شهادتش به ضررش شود یا بر اساس شهادتش علیه او اقدام گردد و بدین ترتیب آمادگی روانی‌اش از بین برود و نزد مقام قضایی حاضر نشود یا همه حقیقت را نگوید. استفاده از معاضدت حقوقی موجب می‌شود که شاهد آمادگی روانی برای حضور در سیستم عدالت کیفری پیدا کند و بدین ترتیب با نحوه برخورد قضات و کارمندان آشنا می‌شود، به گونه‌ای که ترس و اضطرابی که معمولاً برای کسانی که برای اولین بار در چنین جاهایی حاضر می‌شوند کاهش می‌یابد. در نظر گرفتن نهادهایی که به شاهد قبل از ورود در فرایند کیفری، معاضدت حقوقی ارائه دهند می‌تواند موجب رضایت و حفظ مصالح شاهد باشد. در انگلستان پلیس مکلف است قبل از شروع به تحقیق و بازجویی از شهود، حق برخورداری از معاضدت حقوقی را به شاهد تفهیم کند و اگر چنین نکند، قاضی می‌تواند در جلسه دادگاه، وفق ماده ۸۷ قانون پلیس و ادله کیفری، صورت جلسه تنظیمی پلیس را چون در فرایندی نادرست و فریبکارانه اخذ شده است، ابطال کند (اسپنسر، ۱۳۸۴: ۱۰۳). هم‌اکنون در ایران چنین معاضدتی برای شاهد وجود ندارد، اما اگر شاهدی بخواهد از آن بهره‌مند گردد باید خود به وکیل یا مشاوران مربوط مراجعه کند.

۲-۱. عدم مواجهه حضوری شاهد با متهم

مواجهه، تقابل و ترافع طرفین دعوی یا شکایت با خودشان یا با شاهد نزد مقام قضایی است که اظهارات آن‌ها معارض با هم است.^۱ در این باره، دکترینی با عنوان «چشم‌پوشی کردن» از قرن هفدهم وجود دارد که مقرر می‌دارد اگر متهم سوء رفتار

۱. بر اساس تبصره ماده ۳ آیین‌نامه، مواجهه حضوری به صورت حضور فیزیکی یا با وسایل ارتباط از راه دور انجام می‌شود. لذا ممکن است در حالی که شاهد خارج از سیستم عدالت کیفری قرار دارد، مواجهه محقق شود.

داشته باشد از حق مواجهه محروم می‌گردد و اظهارات شاهد پذیرفته می‌شود. این دکترین در قانون ادله ۱۹۹۷ وضع و در دادگاه‌های فدرال آمریکا اجرا می‌شود. در حقوق ایران نیز بر اساس ماده ۶ آیین‌نامه، عدم مواجهه حضوری شاهد یک حق شخصی است و شاهد می‌تواند از رویارویی با دیگر طرفین دعوی امتناع ورزد، بی‌آنکه در حق سایر اصحاب دعوی خدشه‌ای وارد کند. ممکن است دلیل این عدم مواجهه، حمایت روحی - روانی از شاهد باشد؛ زیرا در ادای شهادت دچار ترس و اضطراب می‌شود، یا ممکن است سبب آن از سوی طرفین پرونده باشد هرچند معمولاً در صورت جلسات ادای گواهی، مشخصات شاهد نوشته می‌شود که در این صورت، امکان دسترسی طرفین دعوی به پرونده و شناسایی شاهد وجود دارد.

در حقوق ایران، مقررات حاکم بر مواجهه در دادسرا با دادگاه متفاوت است، به گونه‌ای که بر اساس ماده ۲۰۷ قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲، اصل بر این است که در دادسرا مواجهه صورت نمی‌گیرد مگر ضرورت اقتضا نماید، ولی در دادگاه طبق مواد ۳۲۶ و ۳۲۷ آن عمل می‌شود که با وضع ماده ۳ آیین‌نامه مبنی بر اینکه «مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با طرفین دعوی، طبق قانون مجاز است، لیکن در صورت بیم خطر، مقام قضایی می‌تواند از قبول درخواست شاکی یا متهم مبنی بر مواجهه حضوری شاهد یا مطلع با طرفین دعوی خودداری نماید»، اصل بر مواجهه حضوری است مگر در مواردی که مقام قضایی عدم آن را تشخیص دهد.

۳-۱. عدم افشای اطلاعات شاهد

برخی معتقدند که بهترین راه حمایت از شاهد عدم افشای هویت وی است (والین، ۱۳۸۵: ش ۴۲/۳۴)؛ زیرا عدم افشای هویت شاهد، موجب حفظ امنیت وی است. به همین دلیل، ویژگی اصلی برنامه امنیت شاهد در دولت فدرال آمریکا که نخستین برنامه حمایت از شهود است، محرمانه بودن اطلاعات شاهد می‌باشد که اغلب با تغییر هویت وی انجام می‌شود (Earley and Shur, 2002: 359). در حقوق ایران نیز بر اساس ماده ۹ آیین‌نامه، تمامی مواردی که موجب شناسایی شاهد یا مطلع یا خانواده وی می‌گردد محرمانه مانده، فاش نخواهد شد؛ چون راه‌های شناسایی شاهد آنجا که باید محرمانه

نگهداری شوند متنوع است و دست‌اندرکاران همه روش‌های خاص را پیش‌بینی نکرده‌اند. عدم افشای اطلاعات شاهد مانع از درج اطلاعات وی در پرونده و صورت‌جلسات نیست؛ زیرا امکان دسترسی به این اطلاعات همواره وجود دارد. شایان ذکر است که ماده ۱۲ آیین‌نامه، تدبیر ویژه‌ای را برای عدم افشای اطلاعات اندیشیده است که براساس آن از «برگه‌های با کد مخصوص» استفاده می‌شود تا اطلاعات شهود فاش نگردد. افزون بر این، قانون‌گذار می‌توانست ادای شهادت با نام مستعار را پیش‌بینی نماید.

۴-۱. استماع اظهارات شاهد از راه دور

شاهد ممکن است بنا به دلایلی همچون اضطراب از حضور در دادگاه، از دست دادن شغل، سختی و طولانی بودن مسیر راه و کهولت سن، از حضور در مراجع قضایی یا مواجهه حضور استتکاف ورزد. در این صورت، شهادت شاهد در بیرون از دادگاه ادا می‌گردد. ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌گوید:

... بازپرس می‌تواند از هر تجهیزات فنی که اجازه برقراری ارتباط با شاهد را می‌دهد، استفاده کند... (تدین، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

این تجهیزات فنی ممکن است هر وسیله‌ای باشد که با آن بتوان بدون حضور فیزیکی شاهد در مراجع قضایی، اظهارات وی را در اختیار محکمه قرار داد. در ایران نیز در مواردی ممکن است با توجه به اطلاق ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ اظهارات شاهد از راه دور استماع گردد و به طور مطلق صدای شاهد را قابل استماع می‌داند. اما در این خصوص ماده ۱۸۶ قانون م.ا. قابل توجه است:

چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط‌شده با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.

با وصف صوتی - تصویری می‌توان گفت که ماده ۱۸۶ قانون م.ا. اطلاق بند «پ» ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. مبنی بر استماع اظهارات با وسایل ارتباط از راه دور را تخصیص می‌زند که برای شناسایی شاهد و جلوگیری از تقلید صداست بر این اساس، آن قسمت از ماده ۱۳ آیین‌نامه که بر امکان دیدن و شنیدن صوت و تصویر اشاره دارد موافق با ماده ۱۸۶ قانون م.ا. است، ولی قسمتی که به صرف شنیدن صوت شاهد یا

مطلع نظر دارد، در صورتی قابل توجه است که مقام قضایی امکان انتساب صدا به صاحب آن را داشته باشد. به همین دلیل شایسته است که گفته شود استماع اظهارات شاهد از راه دور بعد از احراز هویت وی با صدا، در دادسرا ممکن است، ولی در دادگاه چون این مرجع، مصدر صدور حکم است ادای گواهی به صورت صوتی - تصویری زنده انجام گردد تا شبهه‌ای برای قاضی صادرکننده حکم به انتساب صدا به شاهد معرفی شده وجود نداشته باشد.

۵-۱. حمایت مالی از شاهد

منظور از حمایت مالی، پرداخت دستمزد در ازای ادای شهادت نیست؛ چون شهادت وظیفه‌ای اخلاقی - اجتماعی است و قابل برآورد مالی نیست، هرچند برای حمایت شاهد می‌توان خسارت وارده به وی را جبران نمود (Rassat, 2007: 402). شاهد جهت حضور در دادگاه ممکن است متحمل هزینه‌هایی برای رفت و آمد و ترک کار گردد و همین امر چه بسا موجب شود که برای جلوگیری از این هزینه‌ها از ادای شهادت امتناع ورزد. به همین منظور، چنانچه وی متحمل خسارتی شود و تقاضای جبران خسارت نیز بنماید، باید خسارت جبران شود که از جمله شیوه‌های حمایتی است. بر اساس ماده ۲۱۵ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲:

در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیان از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضاییه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به توزیع آن در صندوق دادگستری می‌نماید. هر گاه شاکی به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هر گاه در جرایم قابل گذشت، شاکی با وجود ملائت از پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید. اما در جرایم غیر قابل گذشت، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هر گاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

برای مطالبه نیز خسارت نیازی به تقدیم دادخواست نیست و صرف درخواست مطابق صدر ماده کافی است. در این ماده، ضرر و زیان ناشی از ترک شغل به صورت مطلق آمده است و این گونه برداشت می‌شود که مواردی را نیز که شخص برای حضور در مراجع قضایی از کسب و کار محروم شده یا به واسطه حضور در دادگاه، شغل خود را از دست داده است، شامل می‌گردد، اما با توجه به اینکه از دست دادن شغل قابل برآورد نمی‌باشد شایسته است در این مورد تدبیری خاص اندیشیده شود که شاهد از شغل محروم نشود لذا ادای شهادت از راه دور انجام شود یا زمانی شهادت استماع گردد که با زمان اشتغال شاهد در تعارض نباشد یا مقام قضایی خود نزد او حاضر شود.

۶-۱. حضور مقام قضایی در محل اقامت شاهد

بر اساس مواد ۲۱۶ و ۳۲۱ قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲ مقام قضایی برای تحقیق در محل اقامت شاهد حاضر می‌گردد. بیماری و کهولت سن بیمار از موارد تمثیلی در این مواد می‌باشند لذا تحقیق از افراد نابالغ، با ملاحظه آثار منفی حضور آنها در سیستم عدالت کیفری و همچنین مواردی که شهادت فردی منجر به از دست دادن کار می‌شود، می‌تواند بدین نحو انجام شود.

۷-۱. حفاظت از شاهد و خانواده وی

به منظور پیشگیری از بروز خطر جانی، حیثیتی و مالی علیه شاهد و خانواده وی که امکان شناسایی آنها و بیم خطر وجود دارد، تبصره ۱ ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. به دو نمونه از تدابیر حفاظتی اشاره کرده است که با تصویب ماده ۱۷ آیین‌نامه مربوطه، دایره تدابیر حفاظتی به پنج مورد افزایش یافت:

۱. گشت‌های منظم پلیس به صورت نمایان یا به نحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آنها؛
۲. نظارت بر محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین مداربسته در محل کار یا سکونت ایشان یا نصب درب‌های ایمنی با رضایت کتبی آنان؛
۳. در اختیار قرار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط؛

۴. آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامتی جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده ایشان؛

۵. تغییر مکان. تدابیر مقرر در آیین‌نامه نیز مانند تبصره ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. تمثیلی است، لذا حفاظت از شهود و خانواده وی محدود به این موارد نمی‌شود.

حفاظت از نزدیک با گشت‌های منظم پلیس محقق می‌شود که ممکن است به صورت محسوس یا نامحسوس باشد. حُسن حفاظت محسوس این است که مجرمان بالقوه را از اقدامات احتمالی باز می‌دارد و عیب آن نیز این است که به گونه‌ای موجب حساس شدن دیگران و کنجکاوی آن‌ها نسبت به شاهد می‌گردد. گشت‌های نامحسوس ممکن است از طریق مأموران با لباس‌های مبدل انجام گیرد که بسته به مورد انجام می‌شود. چون یکی از ساده‌ترین روش‌های تهدید شاهد استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی است، لذا با کنترل و نظارت می‌توان آن را خنثی نمود. از آنجا که این تدابیر حفاظتی با حقوق و آزادی‌های افراد در تعارض می‌باشد، رضایت کتبی افراد شرط است. علاوه بر مواردی که قانون‌گذار در بندهای ۳ و ۴ آیین‌نامه به آن‌ها اشاره نموده، می‌توان مواردی همچون تغییر اسناد هویتی شاهد و خانواده وی، تغییر چهره شاهد از طریق گریم یا جراحی پلاستیک را در صورت لزوم پیشنهاد نمود.

تغییر مکان یکی دیگر از تدابیر حفاظتی است که قانون‌گذار به طور مطلق به آن اشاره کرده است. تغییر مکان اعم از اینکه دائم یا موقت باشد پرهزینه است، لذا امکان اجرای آن کم می‌باشد.^۱

۲. شرایط اعمال تدابیر حمایتی از شاهد

بر اساس صدر ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، اعمال تدابیر حمایتی منوط به شرایطی است، از این رو به اعتبار شاهد، جرم و خطر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا حمایت از شاهد منوط به زمان مشخصی است؟ بی‌تردید وقتی از حمایت صحبت می‌شود، نباید محدود به قیدی گردد؛ چون در پرتو حمایت به دنبال هدفی می‌باشیم که بهره‌مندی از اطلاعات شاهد است. اگر رسیدگی کیفری را به عنوان یک چهارچوب در نظر بگیریم، می‌توان حمایت از شاهد را در سه فرجه زمانی ملاحظه نمود: تدابیر حمایتی قبل از رسیدگی کیفری، ضمن رسیدگی کیفری و بعد از رسیدگی کیفری.

۱-۲. به اعتبار خود شاهد

در مواردی که زنان در پرونده‌ای به عنوان شاهد حاضر می‌شوند، لزوم حمایت از آن‌ها بیشتر احساس می‌شود؛ چون ویژگی‌های جسمانی زنان، نوعاً آن‌ها را در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهد؛ برای مثال، در مواردی همچون کودک‌آزاری که از نوع خشونت خانگی به شمار می‌آید، غالباً زن شاهد اعمال ارتكابی است اما به دلیل وابستگی عاطفی، مالی، وضعیت جسمانی و شیوه زندگی از ادای شهادت خودداری می‌کند (میرزایی، ۱۳۸۴: ۵۲). بنابراین جنس شاهد می‌تواند از موارد تأثیرگذار در شمول تدابیر حمایتی به شمار آید.

تبصره ۲ ماده ۱ آیین‌نامه به شرایط مزاجی شاهد در تعیین تدابیر حمایتی اشاره کرده است. مزاج در لغت به معنای «مجموعه کیفیت‌های جسمی و روحی» است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۷۹۳/۲). در واقع مزاج صرفاً اختصاص به جنس شاهد ندارد بلکه هر کیفیتی از جمله شجاعت، بزدلی و شکنندگی جسمی یا روحی را شامل می‌گردد.

سن شاهد نیز از دیگر مواردی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری مقام قضایی مؤثر باشد. آنچه اینجا مدنظر می‌باشد سالمند بودن شاهد است. از آنجا که هر اندازه به سن انسان افزوده می‌شود به همان میزان احتیاط در امور نیز بیشتر خواهد شد و احساس ترس نیز افزایش می‌یابد (پیکا، ۱۳۹۳: ۹۳)، همین امر موجب عدم حضور در مراجع قضایی می‌گردد، لذا باید تدابیر حمایتی برای این افراد لحاظ شود.

اعمال تدابیر حمایتی از شاهد می‌تواند با دادرسی کیفری ویژه همراه باشد. منظور از دادرسی کیفری ویژه شاهد، مجموعه قواعد منسجمی است که در طول دادرسی کیفری به منظور ادای شهادت شاهد و تأمین امنیت وی به کار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی این نوع دادرسی سرعت است؛ چون هر چه دادرسی به وقوع جرم نزدیک‌تر باشد اطلاعاتی که شاهد ارائه می‌دهد موثق‌تر است و از طرف دیگر احتمال صرف‌نظر کردن شاهد از ادای شهادت کمتر خواهد بود چون متهم فرصت تطمیع یا ارباب‌وی را ندارد. به همین منظور توصیه می‌شود قرار تأمین کیفری بازداشت متهم برای مدت محدودی الزامی باشد تا مانع از تبانی به منظور جلوگیری از کشف حقیقت گردد. برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌هایی که شاهد نقش مهمی در آن ایفا می‌کند پیشنهاد

می‌شود به جای اینکه متهم بدواً احضار و سپس جلب گردد، مستقیماً به دادرسی جلب شود یا اینکه پرونده مستقیماً به دادگاه ارسال شود؛ چون ممکن است شاهد هر آن، تحت تأثیر جو نامتناسب حاکم در دادسرا قرار گیرد و از ادای شهادت امتناع نماید. همین طور در دادگاه نیز به پرونده‌هایی از این نوع که شاهد نقش مهمی در آن‌ها بازی می‌کند خارج از نوبت رسیدگی گردد.

در حقوق ایران بر اساس مواد ۲ و ۱۲ آیین‌نامه، تأسیس «واحد امنیت شهود و مطلعان» زیر نظر رئیس حوزه قضایی و همچنین به کارگیری ضابطانی که صرفاً اختصاص به امور پیرامون شهود دارند گامی به سمت ویژه‌سازی دادرسی است، ولی محدود کردن دایره فعالیت این واحد و ضابطان محل تأمل است، لذا شایسته است در هر موردی که لازم است شهود تحت تدابیر حمایتی قرار گیرند احضار آن‌ها با نظر این واحد انجام شود.

۲-۲. به اعتبار جرم ارتكابی

به منظور ورود افراد در برنامه حمایت از شاهد، معمولاً قانون‌گذاران اولویتی را در نظر می‌گیرند و آن را به جرم معطوف می‌کنند. ماده ۱۴۰۲۳ قانون جزای کالیفرنیا برای پذیرش افراد در برنامه‌های حمایت از شاهد، حق تقدم به ترتیب برای جرایم سازمان‌یافته، گروه‌های مجرمانه خیابانی، قاچاق مواد مخدر و دیگر دعاوی با درجه بالا را در نظر گرفته است.^۱ این قانون با ارائه مفاهیم عینی به تصمیم‌گیری مقام قضایی کمک می‌کند. تدابیر حمایت از شاهد ترکیه نیز به موجب ماده ۵۸ قانون آ.د.ک. مصوب ۲۰۰۵ صرفاً جرایم ارتكابی در محدوده گروه‌های سازمان‌یافته را در بر می‌گیرد.^۲

1. California Penal Code Section 14023: The Attorney General shall give priority to matters involving organized crime, gang activities, drug trafficking, human trafficking, and cases involving a high degree of risk to the witness. Special regard shall also be given to the elderly, the young, battered, victims of domestic violence, the infirm, the handicapped, and victims of hate incidents.
2. Article 58: (5) The provisions of subparagraphs 2, 3 and 4 are only applicable for crimes committed within the activities of an organized crime gan.

به عبارت دیگر، ضرورت اعمال تدابیر حمایتی نسبت به جرایم سازمان یافته که دامنه آن نیز گسترده می باشد، در سیستم عدالت کیفری ترکیه اولویت دارد. قانون گذار ایران به طور مطلق مواردی را که موجب تدابیر حمایتی می گردد بر شمرده است که تشخیص این موارد نیز با مقام قضایی می باشد. شایسته است که قانون گذار برای جلوگیری از تصمیمات سلیقه ای و رعایت اولویت در اعمال تدابیر حمایتی به جرایم سازمان یافته یا خاصی مثل جرایم موجب سلب حیات اشاره می کرد.

یکی از مواردی که مانع حضور شاهد در فرایند کیفری می شود ارباب او و خانواده اش به انحای مختلف است. ارباب شاهد موجب تضعیف سیستم عدالت کیفری در حمایت از شهروندان است و در نتیجه اعتماد مردم نسبت به حکومت کم می شود (Finn & Healey, 1996: 71). ارباب شاهد بر اساس ماده ۳۶ قانون جزای استرالیا مصوب ۱۹۱۴ به صورت مختلف است:

۱. تهدید کردن یا ترساندن شاهد؛

۲. اعمال خشونت نسبت به شاهد؛

۳. سبب اعمال خشونت یا خسارت نسبت به شاهد.^۱

به این ترتیب ارباب شاهد طیف گسترده ای از رفتارهای مجرمانه را شامل می شود که در این مورد نگاه خاصی در قوانین ایران دیده نمی شود. البته ماده ۶۶۹ قانون م.ا. مصوب ۱۳۷۵ به نحو مطلق مقرر می دارد:

هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

1. Crimes Act (Cth) 36 A Intimidation of witnesses etc:

(1) A person (the first person) commits an offence if:

(a) the first person:

(i) threatens, intimidates or restrains another person; or

(ii) uses violence to, or inflicts an injury on, another person; or

(iii) causes or procures violence, damage, loss or disadvantage to another person.

اطلاق این ماده ناظر بر هر شخصی از جمله شاهد است، لذا اگر کسی شاهد را تهدید کند، مشمول اطلاق این ماده می‌شود و فرقی با دیگران ندارد، اما بهتر است برای اینکه اعتمادسازی به نحو مناسب‌تری انجام گیرد به جای جرم‌انگاری عناوین مجرمانه جدید که تالی فاسد آن تورم جزایی است، قانون‌گذار در ادامه این ماده قانونی، نگاه ویژه‌ای به جرم تهدید علیه شهود داشته باشد؛ زیرا باید بین کسی که قرار است به سیستم عدالت کیفری در پیشبرد اهداف آن کمک کند با مردم عادی تفاوت باشد. لذا یک نگاه افتراقی در خصوص حمایت از شهود و در نتیجه جرایم علیه عدالت قضایی ضروری است؛ از جمله اینکه جرمی که علیه شاهد ارتکاب می‌یابد غیر قابل گذشت، غیر قابل تعویق و غیر قابل تخفیف از مجازات مقرر قانونی تلقی گردد یا اگر بزه‌دیده شاهد باشد مجازات مرتکب تشدید یابد؛ برای مثال هم‌اکنون توهین‌کننده به شاهد طبق ماده ۶۰۸ قانون م.ا. در قالب توهین ساده تعقیب می‌شود، بدیهی است که این مقرره برای حمایت از کسانی که به سیستم عدالت کیفری کمک می‌کنند، کافی به نظر نمی‌رسد.

شایان ذکر است که قانون‌گذار در مواردی به صورت غیر مستقیم از شاهد حمایت کیفری کرده است؛ برای نمونه، بر اساس ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، سرقت مقرون به آزار با لحاظ اینکه اگر سارق در حین سرقت به اذیت و آزار شاهد (اعم از اینکه بزه‌دیده باشد یا خیر) پردازد مبنی بر اینکه وی را از ادای شهادت یا ارائه گزارش باز دارد با مجازاتی شدید مواجه می‌گردد که می‌توان گفت قانون‌گذار در صدد حمایت از شاهد است. همچنین بند ۵ ماده ۶۵۱ قانون م.ا. مبنی بر اینکه «سارق در حین سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد»، با تشدید کیفر مرتکبان از شاهد حمایت کیفری نموده است؛ چون آزار یا تهدید بر خلاف نظر برخی نویسندگان که معتقدند (باید برای تسهیل سرقت باشد) (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۳۶۱)، ظاهراً ضرورتی در جلوگیری از تسهیل وقوع جرم ندارد بلکه ملاحظه حمایت از شاهد مدنظر قانون‌گذار بوده است. از سوی دیگر، وقتی شاهد در فرایند رسیدگی کیفری حاضر شد و اطلاعات خود را به منظور کشف حقیقت ارائه نمود، عدم افشای اطلاعات وی به تشخیص مقام قضایی انتظاری معقول است. بر این اساس در آمریکا افشای غیر مجاز

اطلاعات مربوط به هویت و محل زندگی شاهد موجب جزای نقدی ۵۰۰۰ دلاری یا پنج سال حبس یا هر دو می‌شود^۱ که شایسته است در صورت جرم‌انگاری در ایران، این مجازات نسبت به جرایم متفاوت، متفاوت باشد.

۲-۳. به اعتبار خطر متوجه شاهد

بر اساس صدر ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. شرایط لازم برای اعمال تدابیر حمایتی به اعتبار اهمیت موضوع مورد حمایت و خطرهای جانی، حیثیتی و ضررهای مالی است. لذا هرگاه به عقیده مقام قضایی در هر یک از این موارد، صرفاً یک احتمال نسبت به شاهد یا مطلع یا خانواده‌شان^۲ وجود داشته باشد و از طرفی استماع اظهارات شاهد ضروری باشد، مقام قضایی مکلف است که تدابیر تصریح شده را اتخاذ کند. اطلاق خطرهای جانی، حیثیتی و مالی در آیین‌نامه می‌طلبد که منظور از هر کدام بیان شود. خطر جانی به «هر گونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت جسمانی» اشاره دارد؛ یعنی از شدیدترین آن که قتل است و هر آنچه به بدن شخص وارد می‌شود.^۳ منظور از خطر حیثیتی، «هر گونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت معنوی، اعم از آبرو و اعتبار» است. ضرر مالی، «هر گونه صدمه به اموال و حقوق مالی» است. برای اینکه شاهد طبق برنامه «حمایت از شاهد ایالت کالیفرنیا» مصوب ۱۹۹۷ تحت شمول برنامه حمایتی قرار گیرد لازم است که وی در معرض یک خطر اساسی یا اقدام تلافی‌جویانه خشن باشد^۴ که شبیه

1. Title 18 - Crimes And Criminal Procedure.

Part II - Criminal Procedure (1994) § 3521. Witness relocation and protection A (3)

Any person who, without the authorization of the Attorney General, knowingly discloses any information received from the Attorney General under paragraph (1)(G) shall be fined \$5,000 or imprisoned five years or both.

۲. بر اساس بند «ث» ماده ۱ آیین‌نامه، خانواده شامل اقربای نسبی و سببی تا درجه دوم از طبقه دوم می‌شود.

۳. ماده ۳۸۷: «جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است».

4. California Penal Code Section 14026 (a): To protect witnesses where credible evidence exists that they may be in substantial danger of intimidation or reflationary violence because of their testimony.

موضع قانون‌گذار ایران است. در این خصوص، قانون «ندامت مجرمان ترکیه» مصوب ۱۹۸۸ قابل توجه است. به موجب این قانون که درباره انحلال گروهک تروریستی pkk بوده است افرادی که در این گروهک سازمان‌یافته فعالیت می‌کردند تطمیع شدند به اینکه اگر افراد اطلاعات مربوط به گروه مجرمانه را ارائه دهند در ازای آن، خود و خانواده نزدیکشان تحت تدابیر حمایتی قرار گیرند (Cetin, 2010: 72). به گونه‌ای می‌توان آن را نوعی معامله متقابل دانست بدین نحو که فرد خود را در معرض خطر قرار می‌دهد تا خود و خانواده‌اش از امتیازات دولتی از جمله تدابیر حمایتی استفاده کنند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با لحاظ شرایط فوق، معیار تشخیص چیست؟ از یک طرف می‌توان گفت که با عنایت به اینکه تدابیر حمایتی، جنبه استثنایی دارد لذا باید یک معیار متعارفی وجود داشته باشد و مقام قضایی بر این اساس به تدابیر مراجعه کند، یعنی ملاک نوعی، مدنظر قرار گیرد. رویه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در پرونده موزما نیز به همین منوال بوده است. در این خصوص دادگاه معتقد بود:

تدابیر حمایتی وقتی قابل اعمال است که ترس واقعی برای سلامتی و امنیت شاهد یا خانواده‌اش وجود داشته باشد و این ترس ناشی از واقعیت‌های عینی باشد.^۱

از طرف دیگر می‌توان گفت که چون خطر جانی و حیثیتی و ضرر مالی ممکن است بسته به افراد مختلف، متفاوت باشد لذا باید به معیار شخصی توجه کرد. در مجموع، به نظر می‌رسد که باید ترکیبی از این دو معیار مدنظر مقام قضایی قرار گیرد؛ یعنی هم معیار نوعی و هم شخصی. به عبارتی می‌توان گفت که باید معیار مختلط مبنای کار قرار گیرد.^۲

1. The Prosecutor v. Alfred Musema, Case No. ICTR-96-13-T, 20 November 1998.

۲. مطلبی که در پایان شرایط اعمال تدابیر حمایتی قابل توجه است، امکان تغییر یا عدم تغییر تدابیر حمایتی است. در این باره دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در پرونده کارمرا چنین تصمیم‌گیری نموده است: «دادگاه بدوی دارای اختیار ذاتی برای بازنگری در تدابیر حمایتی است» (The Prosecutor v. Edouard Karmera & Others, Case No. ICTR-98-44-T, 30 October 2006). لذا محاکم ایران نیز می‌توانند چنانچه موجب تدابیر حمایتی تغییر کند در تصمیم خود بازنگری کنند.

۳. توازن تدابیر حمایتی از شاهد با حقوق دفاعی متهم

در نظر گرفتن تدابیر حمایتی برای شاهد، موجب پیش‌داوری دستگاه قضایی در رسیدگی به جرم می‌شود و به صورت ناخواسته اصل برائت را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چون در این موارد، تصور اینکه متهم خطرناک است در ذهن مقام قضایی شکل می‌گیرد و این تا اندازه‌ی زیادی در تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر خواهد بود، لذا در نظر داشتن حقوق متهم به منظور تضمین دادرسی منصفانه بیش از پیش ضرورت می‌یابد. در یک دادرسی منصفانه، متهم از امتیازاتی برخوردار است تا بتواند در مقابل ادعاهایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح می‌شود، در شرایط آزاد و انسانی از خود دفاع کند (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). به همین دلیل، بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. ترتیبات باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد؛ زیرا حقوق دفاعی در زمره حقوق بنیادین و اساسی است و باید در نزد پلیس و دادرسی رعایت شود (Renault-Brahinsky, 2007: 108). از جمله این حقوق بنیادین، اصل برائت است که ریشه در عقلانیت انسان دارد.

اجرای تدابیر حمایتی در برخی موارد با حقوق دفاعی متهم در تعارض است؛ برای نمونه، از حقوق متهم می‌توان به حق پرسش کردن از شهود^۱ و حق جرح و تعدیل آن‌ها اشاره نمود. چالش بین تدابیر حمایت از شاهد و حقوق دفاعی متهم، چالش بین امنیت و آزادی است (باقری‌نژاد، ۱۳۹۱: ۷۲)، اولویت با کدام است؛ امنیت یا آزادی؟ از تبصره ۲ ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. استنباط می‌شود که در صورت تعارض بین حقوق شاهد و متهم، باید حقوق متهم را مقدم دانست؛ یعنی اصل و اولویت با آزادی و حقوق متهم است. به عبارت دیگر، در این موارد صرفاً به شهادت شاهد بدون رعایت حقوق متهم به عنوان دلیل نباید استناد کرد، در این صورت به استناد ماده ۴ آیین‌نامه، باید متهم از اظهارات اعلام‌شده توسط شاهد آگاه شود تا امکان دفاع به متهم در برابر اظهارات

۱. به حق متهم مبنی بر پرسش از گواهان، در بند «ه» ۳ ماده ۱۴ میثاق، بند «ی» ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند «د» ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند «ه» ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، بند «ه» ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا و بند «ه» ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۶).

شاهد داده شود؛ زیرا متهم در معرض محکومیت است، ولی شاهد در چنین جایگاهی نیست لذا حق حمایت از شاهد با حق محاکمه عادلانه متهم باید در توازن باشد (طه و اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). در واقع مقصود قانون‌گذار این است که در اجرای تدابیری که به آن تصریح شده باید به گونه‌ای عمل کرد که حقوق دفاعی متهم نیز لحاظ گردد.

شاهدی که از وی حمایت می‌شود ممکن است شاهد متهم باشد یا شاهد شاکی؛ چون شاهد می‌خواهد وقایعی را بگوید که اتفاق افتاده است که ممکن است به ضرر متهم باشد یا به نفع او. این را می‌توان از بند «الف» ماده ۲۱۴ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ استنباط نمود که در آنجا از عدم مواجهه شاهد با شاکی یا متهم صحبت کرده است. در واقع از این بند استنباط می‌شود که قانون‌گذار هم به شاهد متهم نظر داشته و هم به شاهد شاکی. لذا در مواردی که شاهد به نفع متهم شهادت می‌دهد، بحثی در این باره که نباید منافی با حقوق دفاعی متهم باشد وجود ندارد. اما در مواردی که علیه او شهادت می‌دهد باید به گونه‌ای تدابیر را اجرا کرد که منافی با حقوق وی نباشد؛ از جمله در مواردی که عدم مواجهه حضوری صورت می‌گیرد باید به گونه‌ای عمل کرد که مستفاد از مواد ۴ و ۵ آیین‌نامه بعد از ادای شهادت، متهم یا وکیل او در جلسه حاضر شود و اظهارات شاهد در اختیار وی قرار گیرد و از این طریق پرسش‌های خود را مطرح کند و بعد دوباره شاهد فراخوانده شود.^۱ چرا ایجاد امکان پرسش متهم از شهود می‌تواند از انحراف آنان در بیان حقیقت جلوگیری کند؛ زیرا هر قدر فرصت پرسش متهم از شهود بیشتر فراهم گردد، به عدالت نزدیک‌تر است.

چنانچه از جمله تدابیر حمایتی، عدم افشای هویت شاهد باشد که ماده ۱۰ آیین‌نامه به آن تصریح کرده است در این صورت حق متهم به جرح و تعدیل شاهد را مخدوش می‌کند که در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه به آن توجه نشده است. بدیهی است که صرف اظهارات شاهد مبنی بر اینکه هیچ گونه رابطه خویشاوندی با طرفین

۱. ماده ۴: «عدم مواجهه حضوری مذکور در بند «الف» ماده ۲۱۴ قانون، مانع از آگاهی از اظهارات اعلام‌شده توسط شاهد یا مطلع نیست».

ماده ۵: «عدم مواجهه حضوری خدشه‌ای به حق سؤال از مطلع یا شاهد وارد نمی‌آورد. طرفین دعوی یا وکلای آنها می‌توانند سؤالات خود را از شاهد یا مطلع به اطلاع مقام قضایی رسانده و او پاسخ این پرسش‌ها را از شاهد یا مطلع مطالبه و منعکس نماید».

ندارد، کافی نیست. به همین منظور راهکار قانون گذار ترکیه قابل توجه است. مطابق ماده ۵۸ قانون آ.د.ک. ترکیه مصوب ۲۰۰۵، شهادی که اطلاعات هویتی او فاش نشده است، باید توضیح دهد که چگونه وقایعی را که نسبت به آن شهادت می دهد، فراگرفته است.^۱ لذا پیشنهاد می شود که در این موارد، همه اظهارات کذبی که در پاسخ به سؤال مقام قضایی در راستای جرح و تعدیل مطرح می گردد، جرم انگاری شود.

در ژاپن به موجب ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری، استماع اظهارات شاهد در خارج از دادگاه به جای شهادت در دادگاه تنها به شرط رضایت متهم انجام می شود. اگر رضایت اعلام نشود شاهد باید در دادگاه شهادت بدهد. با این حال در شرایطی دادگاه می تواند بدون رضایت متهم از اظهارات شاهد بیرون از دادگاه بهره مند شود؛ برای مثال، مقام قضایی تشخیص دهد که شاهد در وضعیت خاصی ناشی از ترس یا اضطراب قرار دارد که در نتیجه آن ممکن است شهادت وی با اظهارات قبل از محاکمه که در محضر دادستان ارائه کرده، متفاوت باشد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۵۲). اما در ایران بر اساس ماده ۱۶ آیین نامه استماع اظهارات شاهد علی الاطلاق بدون هیچ قیدی با وسایل ارتباط از راه دور ممکن است. این امر می تواند در عین حال که یکی از تدابیر حمایتی است با حقوق متهم نیز منافات نداشته باشد؛ زیرا متهم یا وکیل او در چنین مواردی می تواند سؤالات خود را مطرح کند،^۲ ولی اینکه هیچ محدودیتی مثل رضایت متهم یا معاذیر شاهد در استماع اظهارات وی با وسایل ارتباط از راه دور وجود ندارد، محل تأمل است که به نظر می رسد صرفاً به تشخیص مقام قضایی واگذار نشود مگر اینکه وی توجیهی برای انجام داشته باشد یا صریحاً در قانون به آن اشاره گردد.

1. Article 58: (2) If there is a fear of gravely endangering the witness or his relatives if the witness's identity is revealed, necessary precautions shall be taken in order to keep the identity a secret. The witness, whose identity shall not be revealed, is obliged to explain the grounds and occasion for obtaining knowledge of the facts about which he is going to testify. The personal data about the witness shall be kept with the public prosecutor, judge or the court, in order to keep his identity as a secret.

۲. ماده ۱۶: «در صورتی که استماع شهادت از طریق وسایل از راه دور باشد، طرفین دعوی یا وکلای آنها می توانند هر سؤالی را که لازم بدانند، با اجازه مرجع رسیدگی کننده از شاهد یا مطلع پرسند».

نتیجه‌گیری

در چرخه عدالت کیفری، حمایت از شاهد اهمیت ویژه‌ای دارد تا بتواند وی را به ارائه دقیق وقایع رخ داده ترغیب کند و در مرتبه بعد نیز با ارائه شهادت، اجرای قانون تضمین شود وگرنه اگر به هر دلیلی از ادای شهادت خودداری کند، سیستم عدالت کیفری از حیث ادله اثبات جرم دچار بحران می‌شود؛ چون شهادت شاهد یکی از سنتی‌ترین و موثق‌ترین ادله به شمار می‌آید. سیاست جنایی تقنینی ایران با توسل به قوانین کیفری ماهوی و مقررات شکلی می‌تواند از شهود مراقبت نماید. وجه ممیزه تدابیر حمایتی در ویژگی کیفری یا غیر کیفری است. از حیث حمایت کیفری، سیاست جنایی تقنینی ایران ناقص است؛ زیرا هرچند حمایت از شاهد اقتضا می‌کند که سیاست کیفری متفاوتی به عنوان بزه‌دیده برای آن‌ها اندیشیده شود، قانون‌گذار از این امر غافل بوده است. لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ضمن تعریف دقیق ارباب شاهد و ضرورت جرم‌انگاری افشای غیر مجاز اطلاعات وی، جرایم ارتكابی علیه شاهد را در فصل مشخصی از قانون مجازات اسلامی ساماندهی کند و سیاستی مبتنی بر عدم تساهل نسبت به مرتکبان آن در نظر گیرد. روی دیگر این جنبه از حمایت، مربوط به نحوه رسیدگی است. با توجه به اینکه خصیصه اصلی چنین دادرسی به منظور جلوگیری از صرف نظر کردن شهود از شهادت و تبانی متهمان با نامبرده، عنصر سرعت است، لذا دادرسی ویژه شهود باید به نحوی تقنین یابد که با سرعت بیشتری نسبت به سایر پرونده‌ها انجام گیرد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که در این موارد، پرونده مستقیماً به دادگاه ارسال گردد، متهم بدون احضار جلب گردد، رسیدگی در دادگاه خارج از نوبت صورت گیرد و در نهایت، از ضابطان ویژه نسبت به شهود بهره‌گیری شود که تدوین‌کنندگان آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان بر آن تأکید نموده‌اند. قانون‌گذار بر خلاف جنبه کیفری تدابیر حمایتی، در تدوین سیاستی مدون نسبت به جنبه غیر کیفری تا اندازه زیادی موفق بوده است، به گونه‌ای که با وضع ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و سپس آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴ گام‌های روشنی را برای حمایت از شهود

برداشته که غالب تدابیر قانون‌گذار مبتنی بر پیشگیری وضعی است. عدم افشای اطلاعات شاهد، مهم‌ترین تدبیر غیر کیفری است که قانون‌گذار بدین منظور استفاده از برگه‌های کددار را توصیه نموده تا اطلاعات شاهد فاش نگردد.

تدابیر حمایتی می‌تواند با حقوق دفاعی متهم در تعارض باشد، بدین منظور تدابیر حمایتی باید به گونه‌ای اجرا شود که به حقوق دفاعی متهم خدشه‌ای وارد نکند و برابری سلاح‌ها تضمین گردد. لذا در عمل باید به گونه‌ای عمل کرد که حقوق متهم (پرسش از شاهد، جرح و تعدیل که با شناسایی شاهد ممکن است) تأمین گردد. به همین دلیل، قانون‌گذار به درستی در آیین‌نامه اجرایی مربوطه در مقام تعدیل این مهم بوده است. بدین ترتیب در مواردی که رویارویی حضوری بین شاهد و متهم صورت نمی‌گیرد، حق آگاهی از اظهارات مطرح‌شده و متقابلاً سؤال کردن از شاهد برای متهم محفوظ می‌باشد. لذا باید به گونه‌ای اقدام شود که متهم یا وکیل وی بتواند از طریق مقام قضایی از حق خود بهره‌مند گردد. به منظور تضمین حق جرح و تعدیل، مقام قضایی باید تحقیقات کاملی در خصوص شاهد انجام دهد مبنی بر اینکه شرایط قانونی لازم را برای ادای شهادت احراز نماید. لذا پیشنهاد می‌شود ارائه اظهارات کذب از سوی شاهد در این مرحله جرم‌انگاری شود. در پایان پیشنهاد می‌گردد با توجه به ضرورت حقوق متهم، تدابیر حمایتی شرایط زیر را داشته باشد: تدابیر حمایتی زمانی اتخاذ شود که ضروری باشد و متهم یا وکیل او بتوانند صحت اظهارات شهود را بررسی و ارزیابی کنند و شهادت شاهد باید مقرون به قرائن و امارات باشد و آنجایی که موجب تضییع حقوق متهم است حتی الامکان با رضایت یا حداقل با اطلاع متهم، تدابیر حمایتی اعمال گردد وگرنه باید توجیه آن ضمن صورت‌جلسه نوشته شود.

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۲. اسپنسر، جی. آر.، آیین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، تهران، جنگل، ۱۳۸۴ ش.
۳. امیدی، جلیل، «دکتر محمد آشوری و حق دفاع متهم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۴. باقری‌نژاد، زینب، حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی)، تهران، خرسندی، ۱۳۹۱ ش.
۵. پیکا، زرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۶. تدین، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، خرسندی، ۱۳۹۱ ش.
۷. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرائم سازمان‌یافته، ترجمه معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸ ش.
۸. رحمدل، منصور، «ادارسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۹. رئوفیان، حمید و ابوالفضل حسن‌زاده محمدی، «حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۰. طه، فریده و لیلا اشرفی، دادرسی عادلانه، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. میرزایی، اسدالله، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرایند دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ چهل و دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «درباره سیاست جنایی افتراقی» (دیباچه و ویراست چهارم)، درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته کریستین لازرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. والین، لوک، «قربانیان و شهود در حقوق بین‌الملل از حق حمایت تا حق بیان»، ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره ۳۴، ۱۳۸۵ ش.
16. Cetin, Hakan Cem, *The Effectiveness of the Witness Security Program in the Fight against Organized Crime and Terrorism: A Case Study of the United State and Turkey*, Thesis of Ph.D., University of New Jersey, 2010.
17. Earley, Pete & Gerald Shur, *WITSEC: Inside the Federal Witness Protection Program*, Bantam Books, 2002.
18. Finn, Peter & Kerry Murphy Healey, *Prevention Gang- and Drug-Related Witness Intimidation*, U.S. Department of Justice, 1996.
19. Mack, Raneta J. Lawson, "Lying, Cheating and Stealing at Government Expense: Striking a Balance Between the Public Interest and the Interests of the Public in the Witness Protection Program", *Arizona State Law Journal*, Vol. 24, 1992.



20. Rassat, Michèle-Laure, *Procédure Pénale*, 15^{ème} édition, Paris, P.U.F., 2007.
21. Renault-Brahinsky, Corinne, *Procédure Pénal*, Paris, 8^{ème} édition, 2007.
22. United Nations Office on Drugs and Crime, *Good Practice for the Protection of Witnesses in Criminal Proceedings Involving Organized Crime*, United Nation, New York, 2008.

موجز المقالات

تعارض الأدلة في إثبات الجرائم الموجبة للقصاص والدية والتعزير؛ النماذج والحلول

- عباس الزراعة (أستاذ بجامعة كاشان)
 - أميد المتقى الأردكاني (ماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام)
- «تعارض أدلة إثبات الدعوى» مسألة يظهر في مجال الإثبات الجزائيّ والحقوقيّ. مع ذلك تحقّق هذه القضية في الإثبات الجزائيّ يستلزم عواقب هالكة التي تحتاج إلى رعاية وإمعان نظر أكثر. مع الرجوع إلى قانون العقوبات الإسلاميّة ومعايير رفع التعارض الموجودة في علم أصول الفقه، مع أنه لنا أن نختار حلولاً عامّة كالتخيير والتساقط والتقدّم القانونيّ و... لكن تطبيق كلّ حلّ مع نماذج مختلفة لتعارض أدلة إثبات الدعوى قد وضع على عاتق القاضى. فى الدراسة الحاليّة عبر استغلال الأسلوب التوصيفيّ والتحليليّ بسبب وجود الاختلاف فى النظام الإثباتيّ للجرائم الحديّة مقارنة مع بقيّة الجرائم، قد ركّزنا على نماذج تعارض أدلة إثبات الجرائم الموجبة للقصاص والدية والتعزير وعرضنا حللاً لأنقاً ومناسباً لكلّ نموذج. أهميّة هذه الدراسة هي أنّ هل كفاءة

الحلول المذكورة في قانون العقوبات الإسلامية منوط إلى أن يختار كل حل مناسب لنموذج التعارض الواقع؛ لذلك مع دراسة هذا الموضوع في مسيرة التجاوز عن قضية التعارض ذهب إلى مساعدة القاضى الجزائى وسناعده في تنفيذ العدالة أكثر فأكثر. وفي نهاية المطاف لنا أن نذكر أن نوع الجرم ونوع الدليل ونموذج التعارض يعتبر ثلاثة شروط هامة في اختيار الحل المناسب لرفع التعارض والتي لا بد أن يلتفت إليها القاضى. المفردات الرئيسة: التعارض، الأدلة الجزائية، نماذج التعارض، حل رفع التعارض.

سقوط القصاص دون تضمين ديون المقتول المديون (نظرة فقهية في المادة ٤٣٢ لقانون العقوبات الإسلامية)

□ حسين الناصريّ المقدّم (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد)
□ مرتضى كشاورزى ولدانى (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع الفقه ومبادئ القانون الإسلامى)

مع أنّ عقوبة القصاص في موارد قتل العمد وضعت من ناحية الإسلام كقانون ثابت إلا أنه في بعض الموارد وفي ظروف خاصّة، قابلة للسقوط. أحد الموارد التي في سقوط القصاص أو عدمه محلّ نظر هي ما إذا كان المقتول مديوناً وأولياؤه يريدون القصاص. والسؤال الذي يطرح في هذا الصعيد هو أنه هل في هذا الفرض للغرماء أن يمنعوا استيفاء القصاص. أو لنا أن نقتصّ القاتل دون تضمين حقوق الغرماء أو استيفاء القصاص فيما إذا كانت ديون القاتل استوفيت أو ضمّنت. قانون العقوبات الإسلامية المصادق عليه سنة ١٣٩٢ اتّبع في هذا الفرض رأى بعض فقهاء الإمامية وقال بجواز القصاص لأولياء المقتول دون تأدية ديونه أو تضمينها. من جانب آخر ذهب بعض الفقهاء كالإمام الخميني في كتاب تحرير الوسيلة إلى أنّ الأحوط عدم جواز القصاص إلا إذا التزم أولياء الدم بتأدية الديون أو تضمينها. الدراسة الحالية التي تمّت على أساس الآراء الفقهية للإمام الخميني بعد مناقشة ومعالجة أقوال الموافقين والمخالفين وصلت إلى أنّ على أساس ظاهر الروايات الواردة في هذا المجال وكذلك التحفّظ لحقوق الغرماء عدم القصاص أنسب وأوجه.

المفردات الرئيسة: القصاص، سقوط القصاص، المقتول المديون، الديون، الغرماء.

الاتجاه المعول على الضمير حول المسؤولية الجزائية

□ عادل الساريخاني (أستاذ مشارك بجامعة قم)

□ قاسم إسلامي نيا (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة قم)

لا مجال للشك في أنّ بدايات القانون الجزائي الحديث والذي تعتبر كقانون معول على الإنسان كانت أول خطوة للالتفات إلى شخصية الإنسان وهذا مع ورود المسؤولية الجزائية إلى المباحث القانونية المتعلقة بشخصية مرتكب الجريمة. مع الاعتراف بالأهمية السامية لموضوع المسؤولية الجزائية في حقل السياسة الجزائية، كانت ثمرة معرفة الإنسان الدينية هي جذب وتلفيق المسؤولية الضميرية في جميع مراحل إجراء القواعد القانونية تجريمًا كانت أو المسؤولية الجزائية أو تنفيذ العقوبات. أهمية المفروض المذكور هي أنّ الاستغلال الكثير من ظرفية السياسة الجزائية كان متعارضًا مع مبادئ المعرفة الإنسان الدينية التي تقتضى كرامة الإنسان وضرورة ازدهار الاستعداد الهام والحيوي للسلطة على النفس (بواسطة قوة باسم الضمير) بعيدًا عن العوامل الخارجية. الدراسة الحالية مع تعريف وتوصيف الضمير والتعرض لأهميته وآثار ولوازم ازدهار المسؤولية الضميرية أبدت وأثبتت لزوم تلفيق المسؤولية الجزائية مع المسؤولية الضميرية مركزة على عناصر من النظام الاعتقادي والأخلاقي في الإسلام.

المفردات الرئيسة: الضمير، المسؤولية الضميرية، الإنسان، معرفة الإنسان، المسؤولية الجزائية.

السياسة الجنائية التقنيّة لإيران في الحماية عن الشاهد

□ أبو الحسن الشاكري (أستاذ مشارك بجامعة مازندران)

□ رضا الرضائي (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة مازندران)

لا مجال للشك في أنّ حضور الشاهد في نظام العدالة الجزائية أحد مناظر السياسة الجزائية المشاركة. التي تظهر أكثر في المجتمعات التي يحكمون عليها الجمهور (المجتمعات الديمقراطية). لذلك يجب أن يجعل الشهود كأحد الناشطين في عملية العدالة الجزائية تحت تدابير وإجراءات في الحماية عنهم. من الواضح أنّ التدابير التي تستخدم للحماية عن الشاهد، تدابير استثنائية. لذلك تعيين إحراز شروط أعمالها المبنية

على كل من الضابط الشخصي أو النوعي يكون على المرجع القضائي وما زال في أعمال وتنفيذ هذه التدابير حفظ حقوق المتهم أولى لأنّ المتهم في معرض المحكومية. وتجدر الإشارة إلى أنه لا بدّ وأن تكون هذه التدابير، من جانب مركزه على الحرّيات الفردية ومن جانب آخر مركزه على مصالح الحكومة التي السياسة الجزائية لإيران في حق التقنين متأثرة منها. الاتجاه الأساس من حيث اتباع المنهج الاتقائي للسياسة الجنائية في مجال تقنين وتنظيم القواعد ومديرية إجراءات التي ترغّب الشهود على الحضور في نظام العدالة الجزائية تمنع عن تحميل الضرر والخسارة على الشهود. لذلك، السياسة الجزائية الاتقائية لا بدّ وأن تعوّل على محاكمة خاصّة ومن جملتها أن إرعاب الشاهد يحتاج إلى أن يعدّ من أحد أقسام التجريم. ومن الأمور الهامة التي لا بدّ وأن تلاحظ في هذا المجال هي: جلب المتهم دون الإحضار، إرجاع الملفّ مباشرة إلى المحكمة والتحقيق خارجاً عن الترتيب الواقعي. ووصولاً إلى هذا الغرض، تغيير وجه ومنظر الشاهد واستخدام القناع يمكن أن يساعد على الوقاية من الأعمال الإرعابية ضدّ الشاهد.

المفردات الرئيسية: الشاهد، تدابير للحماية، نظام العدالة الجزائية، المنهج الاتقائي للسياسة الجنائية، المحاكمة الجزائية الخاصة.

اتّجاه المحكمة الجزائية الدولية إلى عفو الجرائم الدولية من منظور قاعدة منع المحاكمة المجددة

- أمين زحمتكش (ماجستير بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة جيلان)
- مجتبي جاني بور (أستاذ مساعد بجامعة جيلان)
- مهين السبحاني (أستاذة مساعدة بجامعة جيلان)

لا مجال للشكّ في أنّ العفو عن مجرمي الدولية يعتبر أحد أسباب اللا جزائية. والمحكمة الجزائية الدولية كمؤسسة رائدة في الصراع مع ثقافة اللا جزائية وتضمنين منافع العدالة ولها تكليف خطير في الممانعة عن فرار مرتكبي الانتهاكات الشديدة لحقوق الإنسان والفرار عن المسؤولية الجزائية الدولية مع التوسّل إلى شتى الحيل للمصونيّة عن المجازاة كالعفو. وعلى أمل الوصول إلى هذا المهمّ، اتّجاه المحكمة

الجزائية الدولية في الحالة التي مرتكبو الجرائم الدولية بعد المحاكمة في محكمة وطنية أو بعد الملاحظة وعملية التحقيق من ناحية اللجنة المحققة عن الواقع أن يُعفو وبعد ذلك على غرض الممانعة عن تنفيذ أعمال الصلاحية التكميلية للمحكمة وأن يستندوا كدفاع إلى البند الـ«ج» للمادة العشرين لميثاق رم حول منع المحاكمة المجددة وهذه مسألة درسناها في هذه الدراسة. على أساس الحصيلة التي وصلنا إليها في هذه الدراسة يبدو أن استناد منتهكي حقوق الإنسان استنادًا إلى العفو أو الصفح على أساس قاعدة منع المحاكمة المجددة، لا يصير مانعًا عن محاكمتهم من ناحية المحكمة؛ مع أن في الأخير أخذ القرار في هذا المجال يقع في إطار صلاحية المحكمة.

المفردات الرئيسية: المحكمة الجزائية الدولية، العفو، الجرائم الدولية، قاعدة منع المحاكمة المجددة، اللجنة المحققة عن الواقع.

الوقاية عن جريمة غسيل الأموال في النظام المالي والبنكي

□ السيد حسين الحسيني (أستاذ مساعد بجامعة فردوسي بمشهد)
 □ أفشين آذري متين (طالب بمرحلة الدكتوراه بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة الشهيد بهشتي)

لا شك في أن المصارف والمؤسسات المالية تعتبر كمراكز هامة للمبادلات المالية. لذلك استخدام تدابير خاصة ومؤثرة للحيلولة دون دخول الأموال اللا شرعية إلى النظام البنكي لها أهمية بالغة. وللوصول إلى هذه الغاية، من الضروري في المرحلة الأولى أن يُجرى تدابير حاسمة ورعاية خاصة من ناحية البنك المركزي عند تأسيس البنوك والمؤسسات المالية وتنفيذ العملية المضادة لغسيل الأموال. وبما أن النظام البنكي الحديث صار بديلاً للنظام البنكي التقليدي والقرطاسي، فعليه من اللائق للنظام البنكي الحديث على غرض التعرف على المعاملات البنكية المشكوكة بغسيل الأموال وكوقاية فنية، أن يمهد الآليات ومراكز دفع النقود المجهزة بالأساليب الدقيقة. الخطوة الثانية هي التحفظ على المعايير البنكية لمكافحة غسيل الأموال كضوابط حول إحراز الهوية وتقسيم وتصنيف الأشخاص وتعيين مستوى فعالية زبائن البنك وروابط البنك مع بقية البنوك.

المفردات الرئيسية: جريمة غسيل الأموال، المعاملات المشكوكة، البنك المركزي، النظام البنكي الإلكتروني، الوقاية.

الدفاع المشروع الظاهريّ

□ فيروز المحموديّ جانكيّ (عضو الهيئة التدريسيّة بجامعة طهران)
 □ آزاده الصادقيّ (طالبة بمرحلة الدكتورا بفرع قانون العقوبات وعلم الإجرام بجامعة تربية المدّرس)

في الدراسة الراهنة نستهدف مناقشة الآراء والأقوال الحقوقيّة حول الذين يعتقدون صادقاً وساذجاً أنّهم في معرض هجوم الآخرين ورأوا أنّه يجب عليهم الدفاع عن أنفسهم ولكن الأمر في الواقع ليس هكذا، وعلى أساس هذا الشعور بالهجوم، يدافعون عن أنفسهم. ما الوضعيّة الحقوقيّة وما حكم هذا الدفاع؟ والجدير بالذكر أنّ ثمة ثلاث نظريّات حول هذه المسألة. النظريّة الأولى تجعل عمل المرتكب في حقل الرفع، والنظريّة الثانية ترى أنّ هذا العمل من قبيل الدفاع المشروع والنظريّة الثالثة ناقشت ودرست هذا العمل من حيث إيجاد العنصر المعنويّ للجريمة أو عدمه كأحد الأركان اللازمة لوقوع الجريمة. ومما يجب أن نشير إليه أنّ هذا الموضوع قد نوقش وعولج من منظور النظام القانونيّ لإيران والفقهاء؛ فإنّ هاهنا عدد من القانونيين يرى أنّ هذا العمل الظاهريّ مجاز وطائفة أخرى من القانونيين لا يسوّغون هذا العمل والحال أنّ النظام القانونيّ لإيران ساكت حول هذا العمل. حصيلة الدراسة أنّ الدفاع الظاهريّ في ظروف خاصّة منها تقصير المهاجم الظاهريّ في تغليب المدافع الظاهريّ واعتقاد المدافع الظاهريّ المعقول في وجود الخطر أن يكون من الأسباب المبرّرة للدفاع ومع تواجد ظروف خاصّة أخرى ومن جملتها عدم تقصير المهاجم الظاهريّ في التباس المدافع الظاهريّ واعتقاد المرتكب المعقول بوجود الخطر أن يكون من العلل الرافعة للمسؤوليّة الجزائيّة.

المفردات الرئيسيّة: الدفاع المشروع، الدفاع الظاهريّ المشروع، الأسباب المبرّرة، الأسباب الرافعة، المعقوليّة، كون الخطر قريب الوقوع، الالتباس.

جريان الخيارات في الإقالة

□ روح الله السپهرىّ
 □ أستاذ مشارك بالجامعة الحرّة بنراق

أحد المبادئ والقواعد الهامّة في عمليّة المحاكمة هي مسألة صلاحية السلطات والمراجع القضائيّة. هذا المبدأ ينشأ من مبدأ هامّ آخر وهو مبدأ كون المحكمة قانونيّة

ويُعدّ من القواعد الآمرة في المحاكمة الجزائية. وهذا على صيغة ليس لطرفي الدعوى أن يوافقا على غير ما وضع وأسس القانون للمحكمة. وتجدر الإشارة إلى أنّ هذا المطلب من موارد تمييز المحاكمة الجزائية عن المحاكمة المدنيّة. مع ذلك في أصول المحاكمات الجزائيّة وفي قضية الصلاحيّة المحليّة، قد أعطى المقتنّ، مسوّغ العدول على أساس ظروف ومقتضيات خاصّة ومعينة إلى بعض السلطات وفي ظروف خاصّة. في الواقع هذا الأمر يحسب من قبيل نقض الصلاحيّة المحليّة واستثناء لهذه القاعدة. وهذا الأمر التفت إليه في نظامي أصول المحاكمات لإيران وفرنسا. اعتباراً لأهميّة الموضوع نحتاج إلى تبريرات متقنة وقوية لرفع الصلاحيّة عن المرجع القضائيّ الواجد لهذه السلطة. أحد هذه التبريرات هي مقولة التحفّظ للنظم والأمن العامّ والتي التفت إليها المقتنّ الإيرانيّ والفرنسيّ مع اختلافات قليلة. من الواضح أنّ في بعض الموارد سهولة المتابعة والتسريع في عمليّة التحقيقات يمكن أن يعتبر من أحد هذه التبريرات. في المادّة الراهنة حاولنا ضمن التعلّص لهذه التبريرات ومقارنتها في النظامين القانونيّين المذكورين أن ندرس وتناقش مستوى نزعة كلا المقتنّين في تجويز هذا الموضوع الاستثنائيّ في عمليّة المحاكمة الجزائية. التعلّف على هذا الموضوع ومقارنته له دور هامّ في تضمين حقوق المتّهم والمجرم والمجتمع كلاعبين في عمليّة المحاكمة الجزائية. المفردات الرئيسيّة: المحاكمة الجزائية، الصلاحيّة العمليّة، صلاحيّة المحكمة، الاستثناء، النقض، النظم والأمن العامّ.